



آقای اسماعیل رضایی مارینی وکیل پایه یک دادگستری با تنظیم قرارداد وکالت با محکوم علیها خانم ع. ح.پ. و تقدیم لایحه ای به دفتر کل دیوان عالی کشور و اجمالاً با این توجیه که ابتدا درباره موکل وی قرار منع تعقیب صادر شده بود و با مخالفت معاون دادستان روبرو شده و پرونده با صدور کیفرخواست بدادگاه ارسال شده است واقعیت این است متهمین در مراحل اولیه قبل از هر گونه برنامه ریزی و سازمان دهی ذهنی چندانی برای دروغ گویی و تبانی ندارند مطالب را بنحو صحیح و درست مطرح نموده اند بطوری که مجرم اصلی پرونده آقای م. ب. (و حتی پدرش) نیز تصریح نموده اند مواد را دقایقی که مأمورین را مشاهده کرده بمادرش (خانم ع. ح.پ.) وخاله اش داده مطابق واقع بوده و مؤید آن گزارش مأمورین می باشد که تصریح نموده اند ع. در همان دقایق اول و قبل از اینکه بخواهند او را بازرسی بدنی کنند مواد را که در لباس زیر خویش مخفی نموده بود تحویل داده و توضیحات بعدی مأمورکاشف در مورد خاله مجید بوده که اشتبهاً به مادر وی تسری داده شده و واقعیات موجود نیز مبین این موضوع است که ع. (مادر) و والیه (خاله) با توجه به شرایط سنی، بر سوادی و .... حقیقت را بیان کرده اند بطوری که در گزارش تنظیمی ساعت ۲۳ مورخ ۹۳/۶/۲۲ قید شده چون مأمور خانم در مقر حضور نداشت قصد اعزام به مرکز را داشتیم که خانم ع. ح.پ. شخصاً دو بسته ای که در سینه اش بود تحویل داده و با توجه به موقعیت سنی و فقد سابقه قطعاً شخصاً در خرید و حمل مواد مخدر از نوع شیشه نبوده و جرمی که برایش قابل تصور می باشد مجازات مقرر در ماده ۲۳ قانون مورد استناد دادگاه خواهد بود نسبت به دادنامه شماره ۱۰۶۴۰۲۴۰۹۹۷۲۴۰۹۴۰۹۴/۷/۱۷ شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی زنجان متضمن محکومیت موکلش به اعدام که در شعبه ۴۳ دیوان عالی کشور و ابرام شده است تقاضای اعاده دادرسی نموده که پرونده امر پس از ثبت در دفاتر مربوطه به این شعبه ارجاع شده است. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای سید علی اصغر لطیفی رستمی عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای ولی بلغی دادیار دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر پذیرش درخواست اعاده دادرسی در خصوص دادنامه شماره ۱۰۶۴۰۲۴۰۹۹۷۲۴۰۹۴۰۹۴/۷/۱۷ مشاوره نموده چنین رأی می دهد:

 $\frac{1}{2}$

